

MELANGES ASIATIQUES

TIRÉS DU

BULLETIN HISTORICO - PHILOLOGIQUE

DE

L'ACADÉMIE IMPÉRIALE DES

SCIENCES

DE

ST.-PÉTERSBOURG.

Tome I.

I^{re} LIVRAISON.

(Prix: 65 Cop. arg. — 21 Ngr.)

St.-Pétersbourg,

de l'Imprimerie de l'Académie Impériale des Sciences.

1849.

Se vend chez *W. Eggers et Comp.* libraires, Commissionnaires de
l'Académie, Perspective de Nevsky, No. 12, et à Leipzig, chez
Léopold Voss.

DIE LETZTEN ERWERBUNGEN DES ASIATISCHEN
MUSEUMS IM JAHRE 1848. VON B. DORN.
(Lu le 19 janvier 1848.)

Das verflossene Jahr hat dem Museum manche schöne Bereicherung gebracht. Es ist zu seiner Zeit in diesen Blättern darüber Nachricht gegeben worden. Es bleibt mir noch übrig der letzten Erwerbungen zu gedenken. Ich beginne mit den Handschriften, deren drei zu erwähnen sind. Dieselben sind ein werthvolles Geschenk Sr. Erl. des Herrn Ministers und Präsidenten der Akademie *).

1. دوحه مشايخ كبار, Hain der Grossscheiche, von Saad'eddin Sulaiman Emin Ullah Abdurrahman Mustekimsadeh (مستقيمزاده), nebst der Fortsetzung bis z. J. 1220 = 1805 von Muhammed Munib aus Aintab (محمد منيب العيتابي). Diese Fortsetzung beginnt in der Lebensbeschreibung des Scheich ul-islam Muftafa Aaschir Efendi nach dem Jahre 1211 = 1796 bis zu welcher Zeit sie der erstgenannte Verfasser fortgeführt hatte, als er starb, und enthält also 1) die Beendigung dieser Lebensbeschreibung und 2) die Lebensbeschreibungen der beiden nächsten Mufti's Omar Chulufy Efendi (عمر خلوصى افندى) und Salih Muhammed Efendifadeh Ahmed Esaad Efendi. Das

*) *Bull. de la cl. histor. Bd. VI, No. 9.*

Ganze enthält 93 Lebensbeschreibungen, und ist eine höchst saubere, schöne Handschrift in 8^o. Sie beginnt:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * هَسْتِ كَلِیْدِ دَر لَطْفِ كَرِیْمِ * یَا رَبِّ
 und قَامِمِ مَوِی فَنَادِنِ صَقَلَه * تَحْرِیْمِ طَعْنِ سَفَهَادِنِ صَقَلَه الْمَح
 ریاض شریعت نبویه بی شادان وشاداب ایلیه آمین: endigt:
 بِجَاهِ خَاتَمِ الْاَنْبِیَاءِ وَالْمُرْسَلِیْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی سَیْدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
 اَجْمَعِیْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ. — Ein für die Geschichte des
 osmanischen Reiches überhaupt nützlich Buch *).

II. Die türkische Uebersetzung der ersten vierzig Makamen
 des Hariry von Muhammed El-Hifsy *Emrudifadeh*
 (مُحَمَّدُ الْحَفْظِيُّ اَلْمَشْتَهَرُ بِاَمْرُوْدِي زَاوَه) ein Schüler des Hāfis
 Jusuf Efendi, geschrieben im Jahre 1193 = 1779. Ich lasse

zur Probe den Anfang der ersten Makame folgen: اَللّٰهُمَّ اَيُّ

بِنَمِ الْهَمِّ اِنَّا مُحَمَّدُكَ تَحْقِيقُ بَزْجِدْ اِيْدِرْزِ سِنْكَ اَعْلَى مَا عَامَّتْ بَزْه

تَعْلِيْمِ اِيْلِدِيْكَ اَوْزْرَه مِنْ اَلْبَيَانِ يَبَانْدِنِ وَالْهَمَّتْ دَخِي سِنْكَ الْهَامِ

اِيْلِدِيْكَ اَوْزْرَه مِنْ التَّبَيَانِ مَبَالِغَه يَبَانْدِنِ الْهَامِ اِيْلِدِيْكَ اَوْزْرَه

سَكَحْدِ اِيْدِرْزِ كَمَا مُحَمَّدُكَ بَزْ سَكَحْدِ اِيْتِدِيْكَ مَزْ كِيْ حَمْدِ اِيْدِرْزِ

عَلَى مَا اَسْبَغَتْ سِنْكَ تَعْيِيْمِ اِيْلِدِيْكَ اَوْزْرَه مِنْ اَلْعَطَا عَطَادِنِ

تَعْيِيْمِ اِيْلِدِيْكَ اَوْزْرَه الخ. Eine ebenfalls sehr sauber und

schön geschriebene Handschrift.

*) S. Hammer, Geschichte des osmanischen Reichs. Th. 10.
 S. 693. XI.

III. Die unter dem Titel لبّ التّواریخ (Mark der Geschichten) wohlbekannte allgemeine Geschichte von Jahja Kaswiny, verfasst im Jahre 1541. Die Akademie besass zwar von diesem Werke schon ein Exemplar, von dem ich hinreichende Kunde gegeben in diesen Blättern (Bd. I. S. 49 und «Das Asiatische Museum», etc. S. 668 fl.); indessen kann die vorliegende Handschrift trotz verschiedener Mängel doch bei einer Vergleichung des Textes nicht ohne Nutzen sein. So wie ich an den angeführten Orten, die auf die Geschichte der Schirwanschahé bezüglichen Nachrichten mitgetheilt habe, so will ich hier die Geschichte der Buwaihiden aus der neuerworbenen Handschrift unverändert mittheilen. Die unten angegebenen Lesarten sind der früheren Handschrift entnommen.

فصل ششم در ذکر آل بویه 1 (عدد) ایشان 2 هفده نفر 3
 مدت ملکشان صد و بیست و هفت سال 4 5 (صافی) دیر در نسب
 آل بویه آورده که بویه از تخم 6 بهرام کور است چون ماکان بن
 کاکی بر طبرستان مستولی شد بویه بخدمت او پیوست اورا سه
 پسر بود علی و حسن و احمد این برادران و اسفار بن شیرویه 7
 و مرداویخ (مرداویخ 1) بن زیاد و برادرش و شکیر ملازم ماکان
 بن کاکی میکردند اسفار بن شیرویه بر ماکان خروج 8 کرد و اورا
 بجهانید و در سنه خمس 9 عشر و ثمانه بر ملک دیلمان مستولی شد
 10 و بعد از یکسال 11 بر دست قرامطه کشته شد مرداویخ بن زیاد
 بر جای او حاکم دیلمان شد و رود بار 12 (وطالقان) و رستمدار

1 3 آل add. 2 5 صافی add. 3 مانند add. 4 اند add. 5 هفده 2 اعدا 1

وطالقان 7 بدست 6 و om. 8 و add. 9 و om. 10 کرده 11 و مرداویخ

در ضبط آورده (1) (پس) مازندران (2) (وملك) ری وقزوین وایهر
 وزجان وطارمین مستخلص (3) کرد وبتسخیر دیگر بلاد کوشید
 ودر (4) (همه دان) قتل عام (4^a) (ونهب) وغارت (5) (کردند) مرداویج
 علی بن بویه را بابرادران بکرخ فرستاد و خود باصفهان رفت
 علی (6) ابن بویه (7) و برادران بفارس رفتند (8) ودر ضبط
 آوردند و مرداویج (9) در اصفهان غلامانش در حمام بکشتند
 در سنه احدی وعشرین وثلاثائه (10) علی بن بویه باصفهان رفت
 ویاوشکیمر بن زیاد (11) حرب کرد و او را منهزم کردانید و شکیمر
 بطبرستان رفت ویدان ملك قناعت نمود (12) علی بن بویه را
 (13) (ملك) عراق وفارس مسلم شد عماد الدوله علی بن بویه
 در حادی عشر (14) ذیقعه سنه احدی وعشرین وثلاثائه پیداشاهی
 نشست (15) وعراق ببرادر کهنتر حسن (16) داد و او را رکن الدوله
 لقب کرد (12) برادر کوچک احمد را باستخلاص کرمان فرستاد
 و او را معز الدوله لقب فرمود و شیراز را دله الملك خود (17)
 ساخت و از جانب خلیفه (18) (منشور) پیداشاهی یافت عماد الدوله

با: و (7) بن (6) کرد (5) om. 4^a همدان (4) و om. کرده (3) و (2) و (1)
 چون این خبرها بفارس add. (10) را add. (9) آن ملك را add. (8)
 om. (15) ماه add. (14) om. (13) و add. (12) و om. حرب کرده (11) رسید
 om. (18) و om. ساخته (17) بن بویه را add. (16) و

مدت شانزده سال (1) (ونیم پادشاهی) کرد و در جای الاول
سنه ثمان وثلثین وثلاثمائه درگذشت (2) (وبرادرزاده خود عضد

^۲
الدّوله بن رکن الدّوله ولیعهد کرد) رکن الدّوله حسن بن بویه
بحکم برادر در عراق عجم پادشاه (3) (بود) (4) چهل وچهار سال
پادشاهی کرد و عمر او از نود (3^a) (سال) زیاده بود در شب (3^b)
(شنبه) بیست وپنجم (4) محرم سنه ست وستین وثلاثمائه درگذشت
(5) سه پسر داشت عضد الدّوله (6) مؤید الدّوله مادر ایشان
کنیزك ترکی بود (7) فخر الدّوله از دختر حسن (8) (بن فیروزان
که) پسر عم ماکان بن کاکي (3^a) (که پادشاه طبرستان) بود
بوجود (9) (آمد) رکن الدّوله بعد از فوت عماد الدّوله مملکت
بر پسران قسمت (10) (کرد انید) واصفهان و قم وکاشان ونطنز (11)
وجرفادقان بمؤید الدّوله ابو النصر بویه داد وری وهدان
وقزوین وابهروزنجان وساو و آوه وبعضی (11^a) (از) کردستان بغفر
الدّوله علی (12) وپسر مهتر عضد الدّوله فناخسرو را همانکه (13)
(عمش) داده بود یعنی (3^a) (که) ملک فارس بر او مسلم داشت

1) add. 4) om. 3^a) شد (3) ودر جای: haec ante: 2) ووشش ماه حکومت (1)

کرده بود (10) بود (9) فروز انکه (8) و (7) add. و (6) add. و او (5) add.

را تفویض نمود بویه (پسر). (12) add. om. 11^a) وجریا دوفان (11) او om.

عم او (13)

معز الدّوله 1) (احمد) بن بويه بفرمان برادر باستخلاص کرمان رفت و مسخر کرد و از آنجا 1^۴) بخورستان رفت و بکرفت و ملک بصره و واسط مسلم کرد انید 2) مستکفی خلیفه استدعای حضور او کرد 2) در سنّه اربع و ثلاثین و ثلاثمائه بیغداد 3) رفت و در ضبط آورد 4) مستکفی خلیفه را میل کشید و خلافت 1^۴) (را) بطیع بالله داد چنانچه گذشت معز الدّوله بیست و یک سال 5) (پادشاه بود) سه سال معاصر عماد الدّوله و هجده سال معاصر رکن الدّوله و در 6) ربیع الاول سنه ستّ و خمسين و ثلاث مائه بمرض اسهال درگذشت 7) پنجاه چهار سال عمر داشت معز الدّوله چون سایر آل بويه 8) اثنی 7) عشرین بود اقامت بر صلوة 9) (عید) غدیر 9^۴) در هجدهم ماه ذی الحجه او کرد و در روز عاشورا تعزیت حضرت امام حسین 10) او بنیاد نهاد 7) در سنه اثنی و خمسين و ثلاثمائه عضد الدّوله ابو شجاع فناخسرو بن رکن الدّوله حسن بن بويه بعد از عم بحکم وصیت در فارس در سنّه ثمان و ثلاثین و ثلاث مائه پادشاهی 11) (نشست) مدت سی و چهار سال در پادشاهی بماند 1^۴) (مانند او در دیاله هیچ پادشاه نبود) و او خلاصه

1) om. 1^۴) sic et hic. l. 2) خوزستان add. و 3) om. رفته و 4) add.

5) om. 9) سنه 8) add. و 7) ماه add. 6) خلافت کرد 5) معز الدّوله

رسید 11) عليه السّلم add. 10) خم add. 9^۴)

آن قوم بود عضد الدوله در سنهٔ سبع و ستین و ثلث مائه بیغداد رفت و باعزادهٔ خود عز الدوله بختیار بن معز الدوله جنک کرد و او را بکشت و بیغداد مستخلص کرد و در روز دخول او بیغداد خلیفه باستقبال بیرون آمد اکبر 1) (زمان در) زمان 2) دولت او آسایش ها 3) (دیدند) 4) (و در کل) عدل و سیاست ید بیضا نمود 5) از آثار او مشاهد 6) امیر المؤمنین علی و امام حسین 6) (علیها السلام) و دار الشفا 7) (بیغداد) و باروی مدینه 8) (رسول) صلی الله علیه و آله وسلم و بند امیر است که بر 9) (رود کربار) ساخته در سنهٔ ثلث و اربعین و ثانیه 10) (ذکر) بار 11) از آن آب 12) (میخورند) و شهری در 13) قبلی شیراز که اکنون 14) (مرزعه ایست و آنرا سوق الامیر میخوانند) 15) (عضد الدوله) در رمضان سنهٔ اثنی و سبعین و ثلث مائه در بغداد 16) (بصرع) در گذشت و در مشهد امیر المؤمنین علی 17) (علیه الصلوة والسلام) مدفون شد و ولادت 18) (عضد الدوله) در یوم الأحد خامس

6) حضرت add. و 6a) add. و 5) و او در 4) کردند 3) در add. 2) آن 4)
9) حضرت مصطفی 8) بغداد 7) کرم الله وجهه و رضی الله عنهما add.
که بلوک عظیم شیراز است و یرنج در آنجا add. 11) دیگر 10) کره زور
و او 15) و om. مبرز آبست 14) جانب add. 15) میخورد 12) میباشد
او 18) om 17) بزحمت صرع 16)

ذی قعدۀ سنهٔ اربع و عشرين و ثلث مائه در اصفهان بود
عز الدّوله ^۵بختیار بن معز الدوله بعد از پدر در بغداد یازده
سال امارت داشت بعد از آن بحکم ۱) (عضد) الدّوله کشته
شد ۲) در سنهٔ سبع و ستین و ثمانئه ۳) (چنانچه) گذشت
موید الدّوله ^۶ابو النصر بن بویه بن ۴) (حسن بن بویه) در ایام
پدر در اصفهان می بود چون پدرش درگذشت بمدد عضد
الدّوله بری رفت ۵) (ویر جای) پدر هفت سال و ششماه سلطنت
کرد و میان او و فخر الدّوله و شمس المعالی قابوس بن و شکیر که
ولی طبرستان بود محاربات ۶) (رفت) و در جله ظفر ۷) (اورا) بود
فخر الدّوله و قابوس دو نوبت از موید الدّوله شکست ۸) (یافتند)
در نوبت اول ۸^a) (در جادی الاولی سنهٔ احدی و سبعین و ثمانیاه و نوبت
دوم در) روز ۸^b) (چهار شنبه بیست و دوم) رمضان سنهٔ اثنی و سبعین
و ثمانئه بعد از آن کریخته بخراسان رفتند ۹) قابوس هجده سال
و فخر الدّوله سه سال در خراسان بماند ۱۰) و مملکت فخر الدّوله در
عراق ۱۰) و قابوس در طبرستان بتصرف موید الدّوله درآمد
۱۱) (صاحب ابن عباد که) از وزرای مشهور است در خدمت او

۸) او ۷) افتاد ۶) و بجای ۵) رکن الدوله ۴) چنانکه ۳) و add. ۲) عز ۱)

لذ: و ۱۰) pro. و add. ۹) جار شنبه بیست و دویم ماه ۸^b) om. ۸^a) یافت

۱۱) واسماعیل صاحب عباد ۱۱)

میبود موید الدوله در 1) (سیزدهم شعبان) سنه ثلث و سبعین و ثلث مائه 1) (بمروض خناق) درگذشت فخر الدوله علی ابن رکن الدوله بمقتضای وصیت پدر در همدان میبود موید الدوله بدد عضد الدوله اورا اخراج کرده به نیشابور رفت چون موید الدوله نماند صاحب اسمعیل بن عباد استدعاء حضور او کرد 2) در سنه ثلث و سبعین و ثلاث مائه بسر مملکت 3) آمد 4) و چهار ده سال دیگر در سلطنت بماند و در 5) شوال سنه سبع و ثمانین و ثلثمائه درگذشت اما صاحب 6) بن عباد بوفور فضایل و کمالات موصوفست گویند چهار صد شتر کتابخانه او 7) (میکشیدند و او) با آنکه امور کلیه 8) (و جزویه) ملک بدو مغفوض بود 9) و کما ینبغی بدان 10) (و امیرسید) 10^a) همه روز افاده میفرمود و درس میکفت و از جمیع علوم بهره مند بود و مصنفات 11) (خوب) دارد و در فروع اثنی عشری 11) (آیت؟) 12) (و در) اصول معتزلی در سنه سبع و ستین و ثلثمائه بعد از وزیر ابو الفتح بن العیید وزارت بدو دادند هجده سال وزارت کرد و در شب جمعه بیست و چهارم 13) سفر سنه خمس و ثمانین و ثلثمائه در ری وفات یافت نعش اورا باصفهان

اسماعیل 6) add. ماه 5) add. و چارده 4) باز 3) add. و 2) om. 1) om.
 7) و 11) om. و 10^a) add. و 10) om. و 9) om. و 8) میکشید و 7)
 ماه 13) add.

بردند و در محله (1 زیریه) دفن کردند (2 صاحب 2^a بن) عباد رازیست و بعضی گفته اند (3 اصفهانیست) (4) (و در تاریخ مرآت اینچنان یافتیم) ^امجد الدوله ابو طالب رستم بن فخر الدوله بعد از (4 پدر) پادشاهی عراق بدو تعلق گرفت چون کودک بود مادرش سیده کفیل مصالح ملک (5) (شاه) تا (6) (که) سیده در حیات بود مدت بیست و هفت سال ملک (6^a) (مجد الدوله) برونق بود (7) و چون (4) (او) در سنه خمس و عشرين و اربعمائه (8) درگذشت کارها دست بهم داد (9) سلطان محمود عزنوی بالشکر (4) (عظیم) آهنگ عراق کرد (10) (مجد الدوله) باینسرش ابو دلف گرفتار (10^a) (شدند) در سنه عشرين و اربعمائه و ملک عراق در تصرف سلطان محمود (11) آمد مدت سلطنت (11^a) (مجد الدوله) سی و سه سال (12) (وی) مرض ماخولیا (13) (داشت) شیخ ابو علی سینا معالجت کرد (14) (ولادت شیخ ابو علی سینا در سنه ثلث و سبعین و ثلثمائه بود وفاتش سبع و عشرين و اربعمائه * حجت الحق ابو علی سینا * در شجع آمد از عدم بوجود * در شما کرد کسب کل علوم * در تکز کرد این جهان بدرود *) و در اول دولت او قابوس بن و شکیر باز بسلطنت رسید و در شعبان سنه ثمان و ثمانین و ثلثمائه کرکان

(6) بود (5) om. (4) اصفهانی (3) om. (2^a) بعضی برانند که (2) وزیه (1)

و مهمات او پریشان شد. add. (9) سینه add. (8) و om. (7) برو (6^a) om.

om. (14) بود (15) ماند ویرا (12) او (11^a) در add. (11) شد و (10^a) او (10)

وطبرستان و مازندران 1) (بتصرف گرفت) ویرکیلان نیز مستولی شد و پانزده سال در 2) (سلطنت) باند فضایل بسیار داشت و خط 2^a) (نیکو) می نوشت اما سفاک بود بدین سبب لشکر برو خروج کردند و او را گرفته محبوس ساختند و پادشاهی 3) (بر) پسرش منوچهر دادند 4) قابوس در سنه ثلث و اربعمائنه 5) (در حبس)

9
درگذشت شرف الدوله ابو الفوارس شیرزیل بن عضد الدوله در کرمان بعد از پدر پادشاه شد چون 6) چهار سال 7) (و نیم) برآمد بیغداد رفت برادرش صمصام الدوله 8) استقبال نمود و شرف الدوله او را بگرفت و میل کشید و بقلعه 9) (کبوسان) محبوس کرد 10) (و این واقعه) در سنه ستّ و سبعین و ثلثمائنه 11) (بود) و شرف الدوله در اواخر سنه نسع و سبعین و ثلثمائنه بغجاه

10
درگذشت صمصام الدوله ابو کالنجار مرزبان بن عضد الدوله بعد از برادر ارکان دولت او را از قلعه بیرون آوردند و پادشاهی نشانند نه ماه پادشاهی کرد 12) برادرش بهاء الدوله با او مخالفت کرد 13) و صمصام الدوله 14) بگرفت و هشت سال دیگر بزیست و در سنه ثمان و ثمانین و ثلثمائنه بر دست پسران

1) om. 5) و add. 4) به 3) خوش 2^a) پادشاهی 2) را تسخیر نمود 6) کوهینان فرستاده 9) او را add. 8) و شش ماه 7) از حکومت add. 14) و om. 15) و add. 12) om. 11) بعد ازین واقعه 10) کوهینان al. از و add.

عز الدّوله بختيار كشته شد بهاء الدّوله^{۱۱} بن عضد الدّوله بعد از برادر در (1) صفر سنه ثمانين وثلثمائه پادشاه (2) شد مدت بيست وچهار سال و سه ماه در پادشاهی بماند (3) و خليفه القادر بالله (4) اورا شهنشاہ قوام الدين لقب فرمود (5) و او با سلطان محمود غزنوی صلح کرد و ازو دختر خواست (6) در (7) ربيع الاول

^{۱۲}
سنه اربع واربعمائه (8) باوجان) فارس نماند سلطان الدّوله بن بهاء الدّوله بن عضد الدّوله بحکم (9) وصيت پدر پادشاهی يافت مدت دوازده سال وچهار ماه در پادشاهی بماند (10) برادرش قوام (11) الدين) ابو الفوارس برو خروج کرد سلطان الدّوله بر او غالب آمد ودر (12) شعبان سنه ست عشر واربعمائه در فارس

^{۱۳}
وفات يافت شرف الدّوله حسن بن بهاء الدّوله بعد از پدر در بغداد به نيابت (13) برادرش) سلطان الدّوله امارت داشت در آخر خطبه بنام خود کرد ودر سنه عشر واربعمائه نماند مدت

^{۱۴}
حکومتش شش سال (14) بود) و دو ماه (15) جلال الدّوله بن بهاء الدّوله (16) در اول) از قبل برادران حاکم بصره بود بعد از ایشان در بغداد امارت يافت کلر او رواجی نداشت مدت بيست

ماه add. و 7) add. و 6) om. و 5) خليفه add. و 4) om. و 3) شد 2) ماه add. 1)

الدوله (11) و add. 10) وراثت به سلطنت نشست 9) در اوچان 8)

بعد (16) مانند add. 15) om. 14) برادر 15) ماه add. 12)

و پنج سال 1) (امارت) کرد 2) در سنه خمس وثلثین واربعمائه
 درگذشت عماد الدین 3) ¹⁰ (الله) عز الملوك ابو کالجار مرزبان
 بن سلطان الدوله 4) (بن بهاء الدوله) بن عضد الدوله بعد از
 پدر در فارس 5) (در) سنه ستّ 6) عشر واربعمائه پیادشاهی
 نشست 6) میان او و عیش جلال الدوله که در بغداد 7) (امیر)
 بود 8) (مخابرات) رفت 9) (پس) صالح کردند 10) بعد از جلال
 الدوله بغداد نیز در تصرف آورد اما کارش استقامتی نداشت
 و ترکان او را 11) (تمکین) نمیکردند 12) (و در سنه ثلث وثلثین) از
 خوف ترکان بشیراز رفت اسمعیل شبانکاره برو خروج کرد
 و در کار آل بویه خلل آورد 13) (عماد الدین الله) در سنه اربعین
 واربعمائه درگذشت ¹⁴ الملك الرحیم ابو نصر بن عماد الدین 14)
 (الله) بحکم 15) (وصیت) پدر امارت بغداد بدو تعلق گرفت 16)
 (مدت) هفت سال حکومت کرد و در سنه سبع و اربعین واربعمائه
 سلطان طغرل بیک سلجوقی بیغداد رفت و او را بگرفت و بقلعه 17)
 (طبرک) فرستاد 18) و آنجا محبوس بود تا درگذشت الملك ابو منصور
 بن عماد الدین 19) (الله) بعد از پدر بحکم وصیت در فارس

8) امین 7) و add. 6) om. 5) om. 4) بالله 5) و add. 2) پادشاهی 1)

بالله 14) و 15) و 12) تسکین 11) و add. 10) بعد از آن 9) بمخابرات

بالله 19) و om. 18) طغرل 17) و 16) om. 15)

حاکم 1) (بود) فضلوپه شبانکاره برو خروج کرد ودر سنه ثمان واربعين واربعائه اورا بکرفت وبقلعه محبوس کرد هماغا درگذشت وفارس 2) (در تصرف) فضلوپه 3) آمد وهم درآن چندگاه ساجوقيان در ضبط آوردند از آل بويه ملك ابوعلی بن عماد الدین 4) (الله) بعد از برادر قریب 4^a) (بچهل) سال بزیست 5) (بویند خان) فارس 6) (وکرمانشاهان) اقطاع او بود سلاطین اورا عزیز داشتندی وطبل و علم 7) داده 8) (بودند) در سنه سبع وثمانین واربعائه درگذشت 9) ودولت آل بويه بسری 10) (شد)

Die Uebersetzung dieses überaus leichten Auszuges lasse ich um so eher weg, als eben der gegebene Text nur ein Probestück zur Feststellung des Werthes der Handschrift geben soll.

Die Handschrift stammt aus dem Jahre 1240 = 1824.

Eine andere Merkwürdigkeit ist ein schmaler länglicher grünlicher Papierstreifen, welcher als Amulet im Kriege gedient haben wird. Er ist hie und da schadhaf. Man liest auf ihm folgendes:

بسم الله الرحمن الرحيم رب سهل (?) * لاله الا الله از زمین
تا آسمان * لاله اله الله از آسمان تا زمین * لاله الا الله از
عرش تا بکرسی * لاله الله از کرسی تا بعرش * لاله الا الله
از لوح تا بقلم * لاله الا الله از قلم تا لوح لا * له الا الله محمد
رسول الله لاله ا * لاله الا الله بنام یزدان * لاله الا الله

6) وکویند اندجان 15) چهل 4^a) بالله 4) در add. 5) بتصرف 2) شد 1) 6) وکویند اندجان و 10) om. و 9) بودندی و 8) ونیزه add. 7) وکرمان و سپاهان

بنام برهان * لاله الا الله بنام سبحان * لاله الا الله بنام سلطان *
 لاله الا الله بنام خداوند لا ا * له الا الله بنام جبرائيل لا اله
 الا * الله بنام ميكايل لاله الا الله * بنام افسراييل لاله الا الله
 بنام * عزراييل لاله الا الله لرد محامل (?) * خصانرا برباخاد (?)
 لاله الا الله لسم ?? * وععل ولوس وهوس ودست و * حم ع ل
 ك س ح و ط و ناو * و ح ك م ن و بااوى ناد و * فرى بر على
 حواحه اسم ومهر لرحم لر

فهم لا بصرون اصم فلم فهم لانعلون صم فلم عمن فهم لا يعالجون (?) الخ

Es möchte erfolglos sein, auf eine richtigere Lesung aller angegebenen Wörter und der nachfolgenden — es sind im Ganzen etwa 39 Zeilen — weitere Mühe zu verwenden. Man liest allenfalls noch: الوجوه عمل الانصار باذن

الله تعالى , u. s. w.

Dieser Papierstreifen wurde in Leder eingewickelt in den Ruinen von Sarai (im Zarevschen Districte, Gouvernement Saratov) gefunden, und auf Befehl Sr. Majestät der Akademie verehrt.

Die letzte Erwerbung ist eine Münze des Dschutschiden Chanes Abdullah, geprägt in Neu-Sarai, a. 764 = 1362, 3. Sie stammt aus einem Münzfunde den eine Bäuerin aus dem Dorfe Podavki im Saratovschen Gouvernement, District Nikolsk gethan hatte *).